

معادل «خود» در اندیشه اسلامی چیست

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی اظهار کرد: اغلب پژوهشگران دهه‌های اخیر اذعان می‌کنند که «سیلف» با نفس این همانی دارد؛



استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی اظهار کرد: اغلب پژوهشگران دهه‌های اخیر اذعان می‌کنند که «سیلف» با نفس این همانی دارد؛ لذا اگر بخواهیم معنی «خود» را در منابع دینی بیابیم، باید به نفس توجه کنیم. در قرآن کریم بیش از ۲۹۰ بار این کلمه و مشتقات آن آمده است.

به گزارش خبرنگار ایگنا، کرسی ترویجی «تبیین سازه خود نظم جویی اسلامی: اصول و راهبردها» امروز چهارشنبه، ۸ دی، با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین حمید رفیعی هنر، استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، برگزار شد. در ادامه سخنان وی را می‌خوانید.

مراحل انجام پژوهش بدین شکل بود که «خود» را در منابع اسلامی مفهوم شناسی و بر مفهوم «نفس» تمرکز و نیز بیست و پنج مفهوم اولیه را برای خود شناسایی و غربالگری و سپس ارتباط مفاهیم اولیه و خاص مرتبط با آن را پیدا و عناصر اصلی و راهبرد ها استخراج کردیم.

سؤال این است که معادل «سیلف» در اندیشه اسلامی چیست؟ در میان اندیشمندان بحث‌های بسیاری وجود داشته که معادل سیلف یا خود در اندیشه دینی را بیان کنند. لذا ایده‌های مختلفی مطرح شده است و برخی گفته‌اند که با ذات یا شخص ارتباط دارد، اما بیشتر پژوهشگران دهه‌های اخیر اذعان می‌کنند که سیلف با نفس این همانی دارد؛ لذا اگر بخواهیم معنی خود را در منابع دینی پیدا کنیم، باید به نفس توجه کنیم. در قرآن بیش از ۲۹۰ بار این کلمه و مشتقات آن آمده است. معنای نفس در قرآن

عبدالکریم عثمان حدود هفت هشت معنای نفس را در قرآن بیان می‌کند که از جمله آن‌ها شخص، شخصیت و کل است و یکی از بهترین جمع‌بندی‌ها در مورد معنای نفس در قرآن از علامه طباطبایی است. او می‌گوید که نفس دو معنای اصلی و شایع دارد. معنای اصلی همان خود و معنای شایع این است که انسان موجودی مرکب از روح و بدن است. قرآن فرموده: «مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا يَغْيِرْ نَفْسًا أَوْ قَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّا كَثَّرْنَا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَٰلِكَ فِي الْأَرْضِ لِمُسْرِفُونَ؛ به این سبب بر بنی اسرائیل لازم و مقرر کردیم که هر کس انسانی را جز برای حق، [قصاص] یا بدون آنکه فساد در زمین کرده باشد، بکشد، چنان است که همه انسان‌ها را کشته، و هر کس انسانی را از مرگ برهاند و زنده بدارد، گویی همه انسان‌ها را زنده داشته است؛ و یقیناً پیامبران دلایل روشنی برای بنی اسرائیل آوردند، سپس بسیاری از آنان بعد از آن در روی زمین به [تجاوز از حدود حق و فساد و] زیاده روی برخاستند» (مائده، ۵).

معنای دیگری که از نفس برداشت می‌شود روح انسانی است. علامه طباطبایی می‌فرماید که علم، حیات و قدرت موجب تشخیص انسان می‌شود. همچنین تشخیص انسان به روح آدمی نیز هست. آیات متعددی برای این معنای وجود دارد. حداقل در چهار آیه، نفس باعث تشخیص انسان معرفی شده و ویژگی‌هایی دارد که از جمله آنها استرداد کمال و استرداد نقصان است. انسان به واسطه نفس، انسان می‌شود و از سوی دیگر وقتی منابع دینی را بررسی می‌کنیم، درمی‌یابیم که نفس استقلال استعمالی و استقلال مضاف الیه دارد.

کف النفس را هم به معنای بازداري خود می‌دانیم که مفاهیم هم عرضی دارد و این مفهوم با مفاهیم دیگر در ارتباط است، از جمله مجاهدت نفس، ضبط النفس، صلاح النفس و تزکیه النفس. این مفاهیم در سه حوزه اشتراک دارند؛ اولاً موضوع همگی نفس است، ثانیاً همگی اهداف همسویی دارند و در جهت متعالی بحث می‌کنند و ثالثاً اکثر این‌ها حالت مهارگری نفس دارند. معنای عقل و تقوا در روایات

درباره ارتباط این مفاهیم باید گفت که می‌توانیم در یک فرایند ابتدایی، نظارت النفس را مقدمه کف النفس و ضبط النفس بدانیم و هر سه این موارد در قلمرو مجاهده و ریاضت نفس تحقق پیدا می‌کنند. اما اگر مهارگری، نظم‌دهی و تغییر خود رقم بخورد، این کار با کدامین مکانیزم‌ها تحقق پیدا می‌کند؟ پس به برخی از مفاهیم کلان‌تر دست یابیم تا تبیین کامل‌تری داشته باشیم.

حال با روایات دیگری مواجه هستیم که با عقل و تقوا گره خورده؛ مثلاً حضرت علی (ع) فرمود: «العَاقِلُ مَنْ يَمْلِكُ نَفْسَهُ» یا «العقل حسام قاطع قاتل هواک بعقلک». همچنین در روایتی آمده است: «إِذَا هِيَ تَفْسِي أَوْضُهَا يَلْتَفِي لِتَأْتِي»؛ بنابراین دو مفهوم کلیدی عقل و تقوا در اینجا حضور پیدا می‌کند. عقل حاکم بر رفتار و اعمال انسان و تقوا نیروی مهارکننده نفس است. در نهایت در این کرسی ما به این نتیجه می‌رسیم که عقل و تقوا، سه مورد شامل مهار، شناخت و انگیزه متعالی به ما می‌دهند.

معنای اصلاح و تزکیه نفس

حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا جهانگیرزاده، استادیار گروه روانشناسی مؤسسه امام خمینی(ره)، به عنوان ناقد این کرسی اظهار کرد: همیشه با تحلیل مفاهیم مشکل داشته‌ام، چراکه معنای روشنی از آن وجود ندارد. بنابراین شاید اگر از تعبیری دیگر برای عنوان این کرسی استفاده می‌کردند بهتر بود. همچنین تحلیل سازه نیز به خوبی مشخص نیست و بیان نشده که آیا قرار است چارچوب خودنظم‌جویی از منظر روانشناختی بررسی شود یا کار دیگری انجام خواهد شد.

البته در آثار کیفی این عنوان؛ گذاری‌ها ما را مقداری دچار مشکل می‌کند، زیرا در مقایسه با روش‌های مرسوم تحقیقات روانشناختی و حدیثی متفاوت هستند، اما روش مفهومی؛ محتوایی برای این تحقیق قابل درک نیست، چراکه مفهوم و محتوا دو مقوله جداگانه هستند. نویسندگان غایت این مسائل را رسیدن به اصلاح و تزکیه نفس بیان کرده است که می‌توان به آن نگاه فرایندی یا حاصل‌مصدری داشت و شاید به شکل قراردادی، اصلاح و تزکیه نفس را به عنوان فرایند حرکت خودتنظیمی در نظر بگیریم.

غفلت از بُعد انگیزشی عقل

در آخر مفهومی از نفس ارائه شده، اما وقتی وارد روایات می‌شویم گویا تعریف دیگری از نفس مورد نظر است. به نظر می‌رسد تعریفی فلسفی ارائه شده، اما روایات مربوط به مرتبه دانی نفس است، چراکه کف النفس مربوط به کف شهوات و هواست. بنابراین بهتر بود به جای تعبیر فلسفی، گفته می‌شد که نفس در روایات فلان کاربرد را دارد.

در فرایندی که ایشان اشاره کردند به نظر می‌رسد که غلبه تحلیل لغوی بسیاری وجود دارد و مرز دقیقی بین لغات نیست که باعث گنگی مخاطب می‌شود. لذا بهتر بود مرزها به شکل بهتری روشن می‌شد. ابهام دیگر این است که خواننده متوجه تمایز بین مواردی همانند کف النفس و ضبط النفس نمی‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد بهتر بود که معادل فارسی آن‌ها بیان و سپس نسبت هرکدام بیان می‌شد. در این شرایط شاید به شکل بهتری به اهداف خود در معرفی موضوع دست می‌یافتیم. در تحلیل مفاهیم عقل و تقوا تمایزها بهتر دیده شده است. البته مقداری به مفهوم عقل کم لطفی شده است، چراکه عقل بُعد انگیزشی هم دارد و در این کرسی مقداری مغفول واقع شده است.